

میدون و سوفیا

آی لاوروسیه



پوریاء عالمی

● بابای سوفیا اجازه نمی‌دهد سوفیا برود جایی کار کند. اجازه نمی‌دهد سوفیا به راحتی از خانه خارج شود. اجازه نمی‌دهد دوستانش به خانه بیایند. اجازه نمی‌دهد با همسایه‌ها معاشرت کند. اجازه نمی‌دهد سوفیا و باقی همسایه‌ها پول جمع کنند و دوربین مداربسته در ساختمان کار بگذارند. اجازه نمی‌دهد حتی نکهبان استخدام کنند. بابای سوفیا می‌گوید سوفیا هرچه بخواهد بخرد، باید به بابای سوفیا بگوید. بابای سوفیا بقال و قصاب و کتاب‌فروش محل را تهدید کرده که اگر به سوفیا چیزی بفروشند شیشه آنها را می‌شکنند.

خلاصه دیروز من رفتم پیش بابای سوفیا برای مذاکره و گفتم: نه حق و حقوق سوفیا را داده‌ای، نه اجازه می‌دهی مستقل باشم و نه می‌گذاری کسی باهاش معامله کند. جیشش کرده‌ای گوشه خانه. چه‌کار کنیم؟

بابای سوفیا گفت: من حاضرم آزادی سوفیا را شونزه‌هزار تومان بخرم.

من هم آدمم پیش سوفیا و گفتم با بابات مذاکره کردم و نتیجه این شد که دیدم سوفیا لیخند زد و به هوا پرید و مائده هزیری‌وار حرکات شادکننده از خودش بروز داد. سوفیا فریاد می‌زد: خوشبخت شدم... خوشبخت شدم...

من واقعا تعجب کرده بودم. به سوفیا گفتم: بابات دارد بابات را درمی‌آورد! تو چرا خوشحالی؟ سوفیا گفت: تو عقلت نمی‌رسد میدون دوم. تو از سیاست بی‌پهره‌ای. من که هیچی، دیروز خادمی، نماینده ایدم در مجلس، گفتم: «وقتی اجازه نمی‌دهند نفت بفروشیم و کالای موردنیازمان را وارد کنیم، ممنون روسیه هم هستیم که به ما کالا می‌دهد تا از گرسنگی نمیریم...».

وقتی من متوجه شدم نماینده ایدم چقدر جهان‌شمول فکر می‌کند، بغض کردم و بیراهن دریدم و گفتم: اصلا من اشتباهی عاشق سوفیا هستم، چون با شرایطی که ما نسبت به روسیه داریم و جاهایی که ایستاده‌ایم، من باید عاشق روسیه باشم و با او رادوولد کنم. آی هیت سوفیا... آی هستم لاو... آی لاو روسیه... آی لاو بابایی سوفیا... آی لاو هرکی که به ما کالا می‌دهد تا از گرسنگی نمیریم.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۷ • ۴ ذی‌القعدة ۱۴۳۹ • ۱۸ جولای ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۹۷ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۴۰ • اذان صبح فردا ۴:۲۱ • طلوع آفتاب ۶:۰۲

روزنارنرا

کارتون خواب



مهدی عزیزی

ایلنا: مسئولانی که برای معیشت مردم تصمیم می‌گیرند یک هفته با حقوق آنها زندگی کنند



((آگهی تجدید مزایده عمومی یک مرحله ای))شماره: ۹۷/۸۴۷/۸/۶ نوبت اول

- مزایده‌گزار: شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه های منطقه آزاد کیش
- موضوع مزایده: عبارت است از واگذاری استیجاری اماکن تجاری و خدماتی واقع در فرودگاه بین المللی جزیره زیبای کیش به شرح جدول ذیل:

ردیف	نوع کاربری	موقعیت	متراژ	مبلغ پایه اجاره سالیانه(ریال) سال اول	مبلغ پایه اجاره سالیانه (ریال) سال دوم (سال اول بعلاوه ۱۵٪)	جمع کل
۱	فروش اسباب بازی کودک	ترمینال ترانزیت پروازهای خروجی	۹	۷۸۳,۰۰۰,۰۰۰	۹۰۰,۴۵۰,۰۰۰	۱,۶۸۳,۴۵۰,۰۰۰
۲	فروش صنایع دستی صدفی و مشتقات آن	ترمینال ترانزیت پروازهای خروجی	۶	۵۲۲,۰۰۰,۰۰۰	۶۰۰,۳۰۰,۰۰۰	۱,۱۲۲,۳۰۰,۰۰۰
۳	فروش عطر و ادکلن	ترمینال ترانزیت پروازهای خروجی	۶	۵۲۲,۰۰۰,۰۰۰	۶۰۰,۳۰۰,۰۰۰	۱,۱۲۲,۳۰۰,۰۰۰
۴	فروش عینک آفتابی	ترمینال ترانزیت پروازهای خروجی	۶	۵۲۲,۰۰۰,۰۰۰	۶۰۰,۳۰۰,۰۰۰	۱,۱۲۲,۳۰۰,۰۰۰
۵	غرفه ساعت فروشی(برندباشد)	ترمینال ترانزیت پروازهای خروجی	۶	۵۲۲,۰۰۰,۰۰۰	۶۰۰,۳۰۰,۰۰۰	۱,۱۲۲,۳۰۰,۰۰۰
۶	فروش لوازم آرایشی بهداشتی (بدون عطر و ادکلن)	ترمینال ترانزیت پروازهای خروجی	۸	۶۹۶,۰۰۰,۰۰۰	۸۰۰,۴۰۰,۰۰۰	۱,۴۹۶,۴۰۰,۰۰۰
۷	فروش تجهیزات موبایل	ترمینال ترانزیت پروازهای خروجی	۸	۶۹۶,۰۰۰,۰۰۰	۸۰۰,۴۰۰,۰۰۰	۱,۴۹۶,۴۰۰,۰۰۰
۸	ارائه خدمات اجاره خودرو	ترمینال۴سالن پروازهای ورودی	۶	۹۱۰,۸۰۰,۰۰۰	۱,۰۴۷,۴۲۰,۰۰۰	۱,۹۵۸,۲۲۰,۰۰۰
۹	خدمات فرهنگی (کتاب، بروشور،روزنامه،CD،مجلات)	ترمینال۴سالن پروازهای ورودی	۸	۹۴۰,۸۰۰,۰۰۰	۱۰۸,۱۹۲,۰۰۰	۲۰۲,۲۷۲,۰۰۰
۱۰	Free shop	ترمینال ترانزیت پروازهای خروجی	۸۰	۳,۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰	۳,۷۷۶,۰۰۰,۰۰۰	۶,۹۱۶,۰۰۰,۰۰۰

نرخ اجاره ی سال دوم (۹۹ – ۹۸) با ۱۵٪ افزایش نسبت به سال اول محاسبه شده است.

- مبلغ و نوع تضمین شرکت در مزایده: مبلغ تضمین شرکت در مزایده برای هر یک از اماکن مطابق جدول ذیل می باشد.

ردیف	نوع کاربری	مبلغ تضمین شرکت در مزایده(ریال)
۱	فروش اسباب بازی کودک	۸۴,۱۷۲,۵۰۰
۲	فروش صنایع دستی صدفی و مشتقات آن	۵۶,۱۱۵,۰۰۰
۳	فروش عطر و ادکلن	۵۶,۱۱۵,۰۰۰
۴	فروش عینک آفتابی	۵۶,۱۱۵,۰۰۰
۵	غرفه ساعت فروشی(برندباشد)	۵۶,۱۱۵,۰۰۰
۶	فروش تجهیزات جانبی موبایل	۷۴,۸۲۰,۰۰۰
۷	فروش لوازم آرایشی بهداشتی (بدون عطر و ادکلن)	۷۴,۸۲۰,۰۰۰
۸	ارائه خدمات اجاره خودرو	۹۷,۹۱۱,۰۰۰
۹	خدمات فرهنگی (کتاب،بروشور،روزنامه،CD،مجلات)	۱۰,۱۱۳,۰۰۰
۱۰	Free shop	۳۴۸,۳۰۰,۰۰۰

پیشنهادهایی که پس از انقضاء مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

– اعتبار پیشنهادات واصله سه ماه می‌باشد و با نظر مزایده گزار برای یک دوره قابل تمدید است.

– حد نصاب شرکت کنندگان: تعداد شرکت کنندگان در مرحله بازگشایی پاکات "الف"، "ب" و "ج" یک شرکت کننده می باشد.

– پیشنهادات واصله ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۳ در جلسه کمیسیون معاملات در دفتر مرکزی مزایده گزار بازگشایی خواهد شد. حضور نماینده تام الاختیار پیشنهاد دندگان در جلسه بازگشایی در صورت ارائه معرفی نامه معتبر کتبی، مجاز می باشد. – سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مزایده درج گردیده است جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۰۲۶-۴۴۴۴۸۵۳ تماس گرفته یا به سایت www.kish.ir مراجعه فرماید.

شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه های منطقه آزاد کیش

سلام به فردا

رهاشدن از رانت ، نفت و اقتصاد ضدتوسعه و تولید



هوشنگ ماهرویان

باید با تأسّف گفت که اقتصاد ما روزبه‌روز بیشتر به پول نفت متکی شده است؛ آن چنان که بودجه کشور را بر مبنای درآمد نفت می‌نویسیم. به این ترتیب اقتصاد رانتی ایجاد می‌شود. اختلاف طبقاتی که در این ۴۰ سال به وجود آمده و در زیر پوست کشور لانه کرده است و هر لحظه خطرناک‌تر می‌شود، به علت تولید و ارزش اضافه مارکسی و استثمار نیست؛ پول نفت است و رانت. این پول نفت، پول کثیف و موجد اقتصاد انگلی، ضد توسعه و تولید است.

در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته نفت پیدا شد، اما پول آن خرج روزمره نشد و حقوق کارمندان دولت را تأمین نکرد. نروژ و اسکاتلند آن را برای زیرساخت‌ها یا ذخایر ارزی کنار گذاشتند، ولی ما آن را سر سفره‌ها

زنانی که من دیدهام

مأمنی به نام ریاضی

زهراء امرانی

کلمات این متن از جنس روایت نیست که قصه مریم بارهاوبارها روایت شده است. از جنس غم هم نیست، چراکه زندگی او سرشار از غرور و افتخار است. مریم میرزاخان۱ چندسالی بزرگ‌تر از من بود، مثل یک الگو، پیش‌تر حرکت می‌کرد و من در پی او، با فاصله. دبیرستانی بودم که دانشگاه قبول شد؛ بهترین دانشگاه. برخلاف رسم زمانه و طبیعتاً بر اساس روشن‌بودن تکلیفش با زندگی، دچار رودربایستی با جو غالب نشد. آن زمان برق شریف بالاترین و معتبرترین انتخاب بود و هرچند مریم در هر رشته‌ای که اراده می‌کرد قبول می‌شد، اما مصمم و مطمئن آن رشته‌ای که دوست می‌داشت، یعنی «ریاضی» را انتخاب کرد. اواخر دبیرستان بودم که خبر حادثه اتوبوس بچه‌های المپادی را شنیدم؛ اتوبوسی که مریم از آن جان سالم بدر برد. سال‌های بعد که وارد دانشگاه شده بودم، بارها وقتی با آن دوستانی که دانشجوی دانشگاه شریف بودند، صحبت می‌کردم، شاهد هق‌ حق آنان برای ازدست‌دادن هفت نفر از دوستان عزیزشان در آن سانحه بودم؛ هق‌هقی که هربار اشک مرا نیز روان می‌کرد. شک نیست که رضا صادقی اگر هنوز بود، پایه‌بای مریم حرکت می‌کرد؛ پسری از روستا که در مسابقات کانادا به همراه مریم مدال طلای المپیاد جهانی ریاضی را ربود. رضا سه سال بعد از کسب مدال طلای المپیاد جهانی ریاضی، بر اثر تصادف و مریم ۲۳ سال بعد بر اثر سرطان، چشم از این جهان نابرابر فروبستند. گویی مریم چنان باری بر دوش خود حس می‌کرد که تمام این ۲۳ سال را کوشید تا به جایی برسد که نام رضا و آن شش نفر دیگر را سربلند در یادها نگه دارد. مریم که رؤیای کودکی‌اش نویسنده‌گی بود، به ریاضی پناه برده بود؛ به فضایی کاملاً انتزاعی و عادلانه که در آن یک با یک برابر بود. ریاضی مانند نوشتن قدرتی به او می‌داد تا فارغ از جنسیت، قوم و نژادش تا هر جا که می‌خواهد پر بکشد، بلندپروازی کند، ذهنش را رها کند و بگذارد برود بلندترین قله‌های جهان و حتی کهکشان را کشف و فتح کند. فضای ریاضی که عمده‌اش مبتنی‌بر ذهن است و قلم و کاغذ، فضایی است که اجازه می‌دهد دختری از خاورمیانه و پسری از روستاهای خراسان در عنقوان جوانی، متکی بر خود و با حداقل امکانات با کسب مدال طلا در جهان بدرخشند. زندگی مانند ریاضی به مریم این فرصت را داد تا راضی را ادامه دهد تا نته‌تها به ما که زن هستیم و از خاورمیانه هستیم که به همه زنان و به همه اقلیت‌ها و همه مهاجران فرصت غرور و افتخار بدهد و ثابت کند آدم‌ها مانند اعداد در ریاضی هستند و اهمیت آنان در معادلاتی است که با هم برقرار می‌کنند. مریم نشانی است از «توانستن» در اوج روایت‌های «نمی‌توانی و نمی‌شود» که ما با انگیزه و جرئت می‌دهند برای جدی‌گرفتن رؤیاهایمان. مریم که رؤیای کودکی‌اش نویسنده‌گی بود، با یک ذهن، یک قلم و یک کاغذ به ریاضی پناه برد و ریاضی به او پناه داد. او سلاکت بود و کم‌حرف، غرق در دنیای خود. مریم کسی بود که رؤیاهایش را تا انتها دنبال می‌کرد. اگر تصمیم می‌گرفت، به نوشتن پناه ببرد. اگر قلمش را بر کاغذ می‌گذاشت و سفره دلش را از این زندگی می‌کشود، برای ما چه می‌نوشت؟ کلمات این متن از جنس روایت نیست که قصه مریم بارهاوبارها روایت شده است. کلمات این متن افسوسی راخورده است برای ان نشئیدن ضمه‌هایی که مریم برای روایت‌کردن داشت. متن فقط نجوای درخواستی است مُصر که قدر بودن‌ها را بدانیم، به آنها بنایزم و مراقیشان باشیم که اگر زندگی مانند ریاضی باشد و آدم‌ها اعداد، تنها با در کنار هم قرارگرفتن‌هاست که معادلات معنا پیدا می‌کنند و جامعه شکل می‌گیرد.

دور دنیا

عروسک خیمه‌شب‌بازی پوتین



بعد از دیدار دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین در مجلسینگی فلاندا، طبق معمول سلیلی از تمسخر و فحش به راه افتاد. اما یک مورد خیلی برجسته مربوط به اظهارات متملقانه و مجیزگویانه دونالد ترامپ درباره ولادیمیر پوتین بود؛ کسی که انتخاب‌شدن ترامپ را ناشی از کمک‌های مستقیم یا غیرمستقیم او دانسته‌اند. کاربران شبکه‌های

اجتماعی با دست‌کاری عکس‌ها و پوسته‌های واقعی تصاویر متعددی را با هدف تمسخر و تحقیر ترامپ در مورد اخیر ساخته‌اند که مجموعه‌ای از آنها در رسانه‌های مختلف انگلیسی‌زبان منتشر شده است. تعدادی از این تصاویرها ترامپ را به شکل «عروسک خیمه‌شب بازی پوتین» نشان می‌دهد. یکی از آنها پوتین را با دستی مانند لوگوی مجموعه فیلم‌های «پدرخوانده» تصویر کرده و سر ترامپ را با لیخندی احمقانه و فکی مصنوعی مانند عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی بسته به این‌نخ‌ها نشان داده است. دیگری ترامپ را به شکل عروسک کوچولویی که پوتین نشسته و از پشت بقه‌اش را در دست گرفته، ساخته است. دیگری ترامپ را مانند کودک شیطانی تصویر کرده است که جلوی پوتین مانند سگی به قلابه بسته‌شده حرکت می‌کند. دیگری پوستر به سبک پوسترهای اتحاد جماهیر شوروی ساخته و ترامپ را مانند بچه کوچک برچمبه‌دستی در آغوش پوتین یونینفرم پوشش نقاشی کرده است. حتی برخی تصاویری از این دو را در شکل‌های زنده نیز به تصویر کشیده‌اند. اما در این میان، یکی از جالب‌ترین طعنه‌ها را کاربری به ترامپ زده که عکسی است از دست‌دادن ترامپ و هیلاری کلینتون در مناظره پیش از انتخابات. ذیل عکس نوشته شده است: «خیانت‌هیلاری تایید شد! هیلاری کلینتون در جریان کمپین انتخاباتی با یک مأمور روسیه ملاقات کرد!».

یکی دیگر برای دخت‌رش می‌خريد تا در هر کدام خودروبی حدودا یک میلیارد تومانی قرار دهد. آپارتمانی ۲۵۰ متری داشت با شارژ ماهانه شش‌میلیون تومان! خوب بود آقای روحانی رئیس‌جمهوری روزی تصمیم می‌گرفتند با لباس میدل از ولنجک، سری به دروازه‌غار و نازی‌آباد بزنند و این اختلاف وحشتناک طبقاتی را به چشم ببینند. این مسئله ناشی از تولید و ارزش اضافه و استثمار کارگر از سوی کارفرما نیست؛ رانت است و اقتصاد نفتی چاره آن نیز بیرون آمدن از اتکا به درآمد نفت است. زمان آن رسیده است که با گسترش‌دادن بیمه‌های اجتماعی، اختلاف طبقاتی را تا حد ممکن کم کنیم و بر معاملات زمین و ملک مالیات‌های سنگین وضع کنیم. از ویلاهای گران‌قیمت و خالی مالیات بگیریم تا وسیله پول‌شویی نشوند و از گستردن رابطه تکنولوژیک نهراسیم. دست آخر اینکه از سود سهام کارخانه‌ها مالیات بگیریم و این سیاست مالیاتی ضدتوسعه و ضدصنعت و اشتغال‌زایی را کنار بگذاریم. برای توسعه باید کمربند را سفت کرد و تفکر را به کار بست.

زیر آسمان

فرانسه؛ زلزله امید و شادخواهی



حسین امینیان‌دخوش

در ۴۰ سالی که در فرانسه زندگی می‌کنم و انواع‌واقسام رخدادهای ملی و محلی را شاهد بودهام، هیچ‌گاه شبی همانند و نظیر شب پیروزی فرانسه بر کرواسی و به‌دست‌آوردن جام جهانی ۲۰۱۸ را ندیدم. فرانسه در سال ۱۹۹۸ نیز در خانه خود توانسته بود چنین توفیقی را به دست آورد. اما به مصداق آن ضرب‌المثل که مرغ همسایه غاز است، از قرار این پیروزی و شیرینی حلاتی ویژه‌تر داشت و بیش از پیروزی نخست به مذاق همه شپبید و کام همه را شیرین‌تر کرد.

گویی ملتی به خیابان‌ها سرازیر شدند؛ یکپارچه شور و هیجان و انرژی، سرشار از احساس و عاطفه و انگیزه و لبریز از شادی و طراوت و طربناکی. واقعا در این بازی هیجان‌انگیز چه رازی نهفته است که خلقی را چنین واله و حیران و شیدای خود می‌کند؟

اکنون می‌توان به ضرس قاطع پذیرفت که فوتبال همانند بسیاری از عناصر هویت‌ساز هر قوم و ملتی به یک عنصر هویت‌ساز تبدیل شده است و همان کارکردی را برای ملت‌ها ایفا می‌کند و همان تأثیری را بر روح و روان و رفتار شهروندان یک کشور دارد که عناصر تاریخی و فرهنگی دارند.

اکنون اگر ملت فرانسه به ویکتور هوگو، مولیر، گدار، روسو، ژاندارک و ناپلئون بناپارت افتخار می‌کند و مسوزه لوور و برج ایفل و کاخ الیزه را در زمره آثار تاریخی و فرهنگی خود می‌داند، باید پذیرفت که قهرمانی تیم فوتبالش در جام جهانی را نیز در زمره عناصر هویت‌ساز خود تعریف کرده است؛ عصری که هر شهروندی از هر قوم و نژاد و رنگی را بی‌توجه و عنایت به پستی‌وبلندی‌های معنستی و اقتصادی و فرهنگی، به خیابان می‌کشاند تا بواسطه آن شادی کند و فریاد و هیجان برکشد.

به گمانم بعد از اتفاقات تروریستی‌ای که در چند سال اخیر در فرانسه شاهد آن بودیم، مردم ما نیازمند چنین توفیقی بودند تا آن انرژی منفی و یأس‌آلود را در قامت چنین توفیقی نه‌تها خنثی کرده که به شکلی انفجاری به آن وجهی مثبت ببخشند.

در دو روز و شبی که کل فرانسه غرق در شادی و شور بود، به‌جز برخی رخدادهای بسیار جزئی، امنیت و آرامش بر کلیت شهرهای فرانسه حکمفرما بود و این خود نشان می‌دهد که چگونه شادی و انرژی می‌تواند همراه خود صلح و صفا و دوستی به ارمان‌آورد و کینه‌ها و کدورت‌ها را بشوید و بروید. هیجاناتی که رئیس‌جمهور در هنگام بازی و بعد از پیروزی از خود نشان داد، بی‌شباه نیست به گویی این کودک درون او بود که از پیروزی بازیکنان به وجد آمده و فریاد شوق سر می‌داد. رفتارش در هنگام اعطای مدال به بازیکنان و در چنان باران و توفانی، نشان داد که چگونه می‌توان شادی را چنان درونی کرد که بارانی چنان شدید و سیل‌آسا، نه‌تها ایجاد کدورت و ناراحتی نکند که خود در قامت بارانی از شادابی و طراوت، به شست‌وشوگری هرچه ناخشنود و ناپاکی پرداخته و به عنصری خاطره‌انگیز و زیبا تبدیل شود. روز بعد بازیکنان و کل تیم به کاخ الیزه دعوت شدند و نشان لژئون دونور به همه آنها اعطا شد که این توجه نشان داد فوتبال و موفقیت در چنین سطحی عصری مهم در هویت‌سازی یک ملت است و باید به همان اندازه به آن اهمیت داد و به پای چنین نهایی آب لطف و عنایت افشاند.

جدای از تأثیرات اجتماعی، روانی و فرهنگی این پیروزی تاریخی، در عرصه‌های اقتصادی نیز این توفیق تأثیرات مثبتی گذاشت. به‌نحوی‌که در فردای روز پیروزی، بورس فرانسه ۰/۹ درصد رشد داشته است، همچنان‌که تمامی رستوران‌ها و مراکز تفریحی و تغذیه‌ای مملو از جمعیت بود. نگاهی به ترکیب جمعیتی و نژادی تیم ملی فوتبال فرانسه خود گویای تنوعی از قومیت‌های گوناگون است و در آن می‌توان از هر جنس و نژادی یافت؛ از پوگبای سیاه‌پوست تا گریژمن سفیدپوست و... این نکته نشان می‌دهد که فوتبال توانسته به‌قدری هویت و مشخصه خود را پررنگ و تعمیل کند که هرگونه تبعیضی جز شایستگی و همت و تلاش فردی و جمعی و بازی جوانمردانه از این میانه رخت برنند. در آینده که تأثیرات این رخداد دست‌مایه پژوهش‌های اجتماعی افزون‌تری می‌شود، می‌توان برکات آن را بیشترویشتر به شمار آورد و حششان کرد.

❖ فرانسه ۱۶ جولای ۲۰۱۸